

بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)

جعفر هزار جریبی* و پروانه آستین فشان**

* گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناس ارشد علوم اجتماعی

چکیده

تحقیق حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (بعنوان یکی از پارامترهای توسعه اجتماعی) می‌پردازد. مجموعه مطالعات نشان داد که تقویت نشاط اجتماعی در جامعه به صورت تک‌علتی نمی‌باشد بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی و فرافردی (مثل احساس محرومیت، ارضای نیازها، احساس مقبولیت نزد دیگران، احساس عدالت توزیعی، فضای عمومی جامعه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی) در تقویت و یا کاهش نشاط در افراد جامعه تأثیر دارند. به لحاظ روش‌شناسی، تحقیق حاضر در دو سطح توصیفی و تحلیلی (همبستگی) انجام شده و برای شناخت عوامل مرتبط با نشاط اجتماعی از آزمون‌های شدت همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل افراد ۶۵ تا ۱۵ سال ساکن در استان تهران است و حجم نمونه تحقیق ۲۰۰۰ نفر می‌شود. نتایج حاصل از ترکیب گویه‌ها در خصوص احساس نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان حاکی از این است که احساس نشاط در بین ۱۸ درصد از پاسخگویان در حد کم و بسیار کم می‌باشد و در مقابل ۲۸ درصد پاسخگویان از احساس نشاط بالایی برخوردار هستند. یافته‌ها بیانگر متوسط بودن این احساس در بین اکثریت پاسخگویان است به این معنی که ۵۴ درصد احساس نشاط اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند.

نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در ابتدا متغیر امید به آینده وارد معادله شده است، این متغیر به تنهایی توانسته است ۰/۳۰ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کند. با وارد کردن متغیر بعدی یعنی ارضای نیازهای عاطفی به مدل رگرسیونی، به مقدار ۰/۱۵ درصد به ضریب تعیین افزوده و کل ضریب تعیین ناشی از وجود دو متغیر امید به آینده و ارضای نیاز عاطفی ۰/۴۷ می‌رسد. با ورود متغیر مقبولیت اجتماعی به مدل رگرسیونی به میزان ۰/۰۶۶ درصد به ضریب تعیین افزوده شده است، که در مجموع، سه متغیر امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته‌اند ۰/۵۳۷ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: نشاط اجتماعی، امید به آینده، مقبولیت اجتماعی، ارضای نیاز عاطفی، احساس محرومیت، احساس عدالت توزیعی.

Review of Influential Factors in Social Bliss(Emphasis on Tehran Province)

J. Hezarjaribi * and P. Astinfeshan **

* Social sciences Department, Allameh Tabatabai University

** M.S. Social Science

Abstract

This research is on the identification of influential factors in social bliss(as one of social development parameters). The studies collective showed us the strengthening of social bliss in society is not due a unitary cause. But a collection of individual and beyond individual factors such as feeling of deprivation, satisfaction, needs, acceptance by others, fair justice, the public environment of society, economic and social base, in are influential in the increase and decrease of bliss among individuals of society. From the methodological aspects, this research was conducted in descriptive and analytical(solidarity) way, and for the understanding of the social bliss related factors the multi-variable solidarity and regression levels tests. The study population included people aged between 15 and 65 residents in Tehran province, and the sample volume of the research is 2000 people. The results from the composite of the headings on the feeling of social bliss among the respondents indicates the feeling of bliss is low and very low among 18% of them, and 28% enjoy high levels of feeling of bliss. The findings show that the majority of the respondents only on average had a feeling of bliss(54%).

The multi-variable regression indicates that initially the hope for the future variable has entered the equation. This variable could by itself determine 30% of the changes to the social bliss variables. With the entry of the next variable – fulfillment of emotional needs – on the regression model has added 15% to the determination multiplication, and the total determination multiplication is as a result of the existence of two variables of hope for the future and fulfillment of emotional needs reaches 45 percent. With the entry of the social acceptability variable to the regression model, 66 % is added to the determination multiplication, which in total the three hope for the future, fulfillment of emotional needs, and social acceptability have managed to determine 537% of the changes in social bliss variable.

Keywords: Social bliss, hope for the future, social acceptability, fulfillment of emotional needs, feeling of deprivation, feeling of fair justice.

مقدمه

سعادت نمی‌کند. شاید به جرأت بتوان گفت همه تلاش هر انسان در جهت یافتن شادی، نشاط و خوشبختی در آینده است. در واقع می‌توان گفت احساس نشاط یکی از مهمترین پشتوانه‌های ما برای مقابله با مشکلات است.

انسان موجودی هدفمند و جویای نشاط(شادکامی)، خوشبختی و سعادت می‌باشد و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد احساس نشاط، خوشبختی و

فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته فرهنگی قرار دارند و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. سطح پایین نشاط اجتماعی به گرایشهای منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده این شرایط، وضعیتی است که جامعه از جهت تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن برای فرد در پی می‌آورد. احساس امنیت ناشی از ارضای نیازها و تحقق اهداف، از جمله عواملی اساسی است که نشاط در زندگی را در بین افراد جامعه گسترش می‌دهد (ازکمپ ۱۳۷۳: ۶۶).

هدف پژوهش

در این مقاله هدف اصلی سنجش میزان نشاط اجتماعی در شهرهای استان تهران و راهکارهای عملی تقویت آن است.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق بعضی از فرضیات بصورت توصیفی بوده که به مقایسه بین گروه‌ها می‌پردازند و بعضی از آنها از نوع علی - همبستگی می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان فرضیات را به شکل زیر بیان نمود:

- ۱- بین سن، جنسیت و وضعیت تأهل و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین وسعت و اندازه شهرها و میزان نشاط اجتماعی در بین مردم آنها رابطه وجود دارد.

همه با مسایل روبرو می‌شوند، مسئولیت‌های جدید بپذیرند و خود را با تغییرات سازگار کنند. این شرایط حتی شخصیت‌های قوی را تحت فشار قرار می‌دهد. توانایی در کسب نشاط به انسان استقامت می‌دهد تا از عهده مشکلات برآید.

نشاط واقعی به این بستگی دارد که انسان نیازهای درونی و پنهانی خود را از طریقی که جامعه و هنجارهای معمول آن را قبول دارد، برآورد.

در این راستا می‌توان گفت احساس نشاط (مثل رضایت) به آن حالت موجود زنده گفته می‌شود که تمایلات حرکت وی به هدف خود رسیده‌اند، یا برنامه ریزی فرد به ثمر رسیده و یا در حال رسیدن به نتیجه می‌باشد. به صورت دقیق تر می‌توان گفت: نشاط واقعی احساسی خاص است که شخص به هنگام رسیدن به آرزوهایش پیدا می‌کند. اما باید یادآور شد که احساس نشاط به متغیرهای متفاوت اجتماعی و فردی بستگی دارد که از یکسو این نیازها به حکومت و از سوی دیگر به جامعه و نظام ارزشی و در نهایت خود شخص برمی‌گردد.

جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای از نگرشهای مثبت نسبت به جهان و محیطی که

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که، نشاط^۱، عواطف مثبت^۲، تعادل عاطفی^۳ و رضایت خاطر^۴ عوامل شخصیتی هستند که با هم همبستگی بالایی دارند. (کار، ۲۰۰۳: ۷۹).

مقبولیت اجتماعی

مقبولیت اجتماعی بیانگر ارزش، احترام و منزلتی است که برای یک فرد از سوی خانواده و جامعه در نظر گرفته می‌شود (آلردواسمیت، ۱۹۸۹: ۵۶).

امید به آینده

«امید عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است و یا به عبارت دیگر ارزیابی مثبت از آنچه را که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد» (جنیا و شاو، ۱۹۹۱: صفحه ۱۷۰).

عدالت اجتماعی

- عدالت اجتماعی (توزیعی): کتاب تئوری‌های روانشناسی اجتماعی این واژه را اینگونه تعریف کرده است:

«عدالت توزیعی در روابط اجتماعی به معنای آن است که یک فرد در روابط متقابل با دیگران انتظار خواهد داشت پاداشهای هر فرد در جهت هزینه‌های وی باشد، معمولاً پاداش یا منافع خالص هر فرد متناسب با سرمایه-گذاری وی باشد و هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر سود

۳- بین میزان امید به آینده در بین مردم و میزان احساس نشاط در آنها رابطه وجود دارد.

۴- هر چه میزان احساس محرومیت افزایش یابد، میزان احساس نشاط کاهش می‌یابد.

۵- هر چه میزان بیگانگی اجتماعی (عدم همبستگی) در بین مردم افزایش یابد میزان احساس نشاط کاهش می‌یابد.

۶- بین میزان مقبولیت اجتماعی (مورد قبول دیگران واقع شدن) و میزان احساس نشاط رابطه وجود دارد.

۷- هر چه میزان امنیت اجتماعی در جامعه بالا رود، میزان احساس نشاط اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند.

۸- بین میزان پایبندی به معتقدات دینی و نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

۹- بین پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی و میزان احساس نشاط رابطه وجود دارد.

۱۰- هر چه میزان احساس عدالت اجتماعی در جامعه بالا رود، میزان احساس نشاط نیز در بین مردم افزایش پیدا می‌کند.

۱۱- بین ارضای نیازها در مردم (میزان رضایت) و میزان نشاط اجتماعی در آنها رابطه وجود دارد.

تعاریف برخی از متغیرها

نشاط اجتماعی: «احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود.»

1- Happiness
2- Positive affect
3- Affect balance
4- Satisfaction

بیشتر» (کانتورو ساندرسون، ۱۹۹۹: ۲۳۰).

کیشها و اعمال گوناگون را مشخص می‌دارد (بندلو و همکاران، ۱۹۹۷).

پایبندی به معتقدات دینی

در خصوص تعریف دین "میلتون" بینگر عقیده دارد که انسان روی آنچه که ذات دین است، متمرکز نشود بلکه به آنچه که دین انجام می‌دهد، توجه کنیم. او اظهار می‌دارد که باید یک پدیده اجتماعی را به عنوان دین تعریف کرد، به شرطی که کارکرد آشکار دین را ایفا نماید. وی از ماکس وبر در اثبات این نکته که معنا در زندگی، نیاز اساسی بشر است، پیروی می‌کند (اگرچه ماهیت و شدت این نیاز در بین افراد متفاوت خواهد بود).

پل تیلیش، دین را به عنوان «ارتباط غایی» فرد توصیف کرده بود و همچنین بینگر از نحوه برخورد تیلیش (در تعریف دین)، در توسعه و گسترش تعریف خود از (دین) بهره گرفت. اعتقاد اساسی راجع به باید‌های دینی، موجودات بشری عبارت است از درک هدف زندگی و معنای مرگ، رنج و گرفتاری گناه و بی‌عدالتی (الیسون، ۱۹۹۱: ۳۲).

بطور کلی و با در نظر گرفتن انسانها در همه زمانها، می‌توان معتقدات دینی را همچون گرایش شدید انسانها به سوی واجد‌الای خداوند، یا نیروهای برین و یا احساس ساده وابستگی به آنان، به منظور تبیین علل وجودی خویشتن در جهان و بازیابی معنایی برای هستی دانست. در نتیجه دین، اعتقادات نسبت به این واقعیتها و اشکالی که به خود می‌گیرند، مناسک،

بیگانگی اجتماعی

از خود بیگانگی: یعنی بیگانه شدن افراد با خودشان و یا با دیگران (آلردواسمیت، ۱۹۸۹: ۵۶) به بیان دیگر از خود بیگانگی به وضعیتی گفته می‌شود که مردم در آن اختیار خود را درباره دنیای اجتماعی که خود به دست آورده‌اند از دست می‌دهند و در نتیجه آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می‌یابند (ستوده، ۱۳۸۰: ۵۲).

می‌توان تبیین نظری بیگانگی را تلویحاً به معنای تبیین شرایط عینی عدم بهروزی به شمار آورد چه با وجود تنوع معنای بیگانگی در نظریه‌های اجتماعی اساساً به مفهوم احساس دوری و جدایی از خود و دیگران و جامعه و کار و... و به طور کلی به معنای بیگانگی فرد از جنبه اصلی و وجود اجتماعی اش می‌باشد (آسپینوال، ۲۰۰۱: ۲۲۰).

فضای مناسب اخلاق عمومی

فضای مناسب اخلاق عمومی: به معنی رعایت ارزشهای اخلاقی توسط اعضای جامعه است این ارزشها شامل راستگویی و صداقت، وفای به عهد، عدم چاپلوسی، عدم دورویی یا همان یکرنگی، توجه به منافع دیگران، خوشرفتاری و برخورد مهربان با دیگران، احترام به دیگران، انصاف و... می‌شود (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۷).

همبستگی اجتماعی

همبستگی در فرهنگ علوم اجتماعی نوشته آلن بیرو این چنین تعریف شده است: احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسانها بطور کلی و یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنها باشد.

احساس امنیت اجتماعی

«احساس امنیت مستلزم توانایی در حفظ آنچه را که شخص دارد و حصول اطمینان از تداوم برخورداری آن در آینده می‌باشد» (لین و همکاران، ۱۹۹۰: ۵۵).

احساس محرومیت

در حقیقت از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آنچه که به دست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می‌کند، بدست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی می‌باشد. در اجرای این تحقیق از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) سود برده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق به مطالعات انجام گرفته و نظریات صاحب‌نظرانی که به این موضوع پرداخته‌اند، مراجعه شد. در این راستا برای انجام مطالعه

اکتشافی و بدست آوردن شاخصهای تحقیق، از افراد صاحب‌نظر در ارتباط با موضوع تحقیق مصاحبه بعمل آمد و سپس با توجه به مبانی نظری تحقیق و نتایج بدست‌آمده از مصاحبه، پرسشنامه تحقیق بعنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها تهیه و تنظیم شد.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق شامل افراد ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن در استان تهران (اعم از زن و مرد) که در حدود ۸۵۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشند، می‌شود. در مورد حجم نمونه شایان ذکر است که نمونه با توجه به اطلاعات و آمار موجود بر طبق فرمول کوکران ۲۰۰۰ نفر می‌باشد.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، بصورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای می‌باشد یعنی در مرحله اول به روش نمونه‌گیری مطبق (طبقه بندی) است. بدین صورت که با در نظر گرفتن متغیر پراکندگی جغرافیایی استان مجموع ۱۰ شهرستان استان در ۱۰ طبقه قرار داده شد. در هر طبقه یک شهرستان انتخاب شد و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای شهرهای کوچکتر (نقاط شهری و مرکز بخش‌ها) انتخاب گردید.

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2 + t^2.p.q} \quad \text{فرمول کوکران}$$

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در تحقیق حاضر برای سنجش موضوع از پرسشنامه ساخت یافته استفاده شده است.

چارچوب نظری تحقیق

نشاط (شادکامی) یکی از خلقیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می‌کند. نشاط عبارت از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است، این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد. عواملی که نشاط را به وجود می‌آورند شامل احساس رضایتمندی از زندگی و فقدان عواطف منفی همچون افسردگی و لذت بردن از وقایع می‌باشد و یکی از علل تاثیرگذار در برقراری اصول بهداشت روانی و خوشبختی است و بر فضای شناختی و رشد آن اثر می‌گذارد. نشاط یکی از ابعاد اصلی تجربه بوده و معمولاً در پی ایجاد پاسخهای مطلوب است که کارکرد مناسبی به جای می‌گذارند (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۸۰).

در بررسی تمایلات اجتماعی مردم آمده است که که ثروت و پول می‌تواند مشکلات مردم را حل کند و تولید نشاط نماید اما یافته‌های دیگری نیز به دست آمده که نشان می‌دهد افرادی که تصور می‌کنند ثروت مهم است و موفقیتشان را با آن ارزیابی می‌کنند کمتر شاد هستند و حتی با داشتن ثروت مایوس می‌باشند. همچنین در یافته‌های دیگر، روشن شده که سروصداها و لذت‌بخش و رویدادهای هیجان‌آور اجتماعی قادر است، ایجاد خوشحالی کند و در سطح اختصاصی‌تر کار کردن و یا وجود آرامش و انجام فعالیتهای انفرادی همچون ازدواج، ورزش مطالعه ممکن است احساس نشاط به وجود آورد. حتی می‌توان به نقش مذهب در ایجاد نشاط اشاره نمود،

خداوند سبحان در کتاب آسمانی خود قرآن نگاه جامع و همه جانبه‌ای به مسأله نشاط دارد، می‌فرماید "بگو: به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند، زیرا این دو از هر چه می‌اندوزند بهتر است" (سوره ۵۸:۱۰).

در این آیه شریفه و "آیات دیگر" (سوره ۴:۳۰، ۱۲۰:۳، ۱۸۸:۳) خداوند نتیجه فضل و رحمت خود را برای بندگانش شادمانی می‌داند و در جای دیگر شادمانی را نتیجه کسب پیروزی افراد در امور تلقی می‌فرماید، اما نشاط حاصل از رحمت خود را بهتر می‌داند و آنرا می‌پسندد، معنای چنین سخنی این است که شکرگزاری برای شناخت رحمت و فضل بیش از حد و عبادت او نشاط متناسب با شناخت این رحمت به وجود می‌آورد. به هر صورت اکنون مطالعات زیادی راجع به سلامت ذهنی که همان نشاط است صورت گرفته و با مفهوم عام سلامتی که چیز دیگری است و معمولاً، متغیرهای عینی نظیر درآمد و بهداشت را دربر دارد، متفاوت است (آرجیل، ۲۰۰۱). طبقه اجتماعی و تحصیلات نیز می‌توانند زمینه‌ای از رضایتمندی را در افراد به وجود آورند و منجر به نشاط شوند، همچنین ارتباط با افراد شادکام شاید در ایجاد یا افزایش میزان نشاط بی‌تأثیر نباشد. نشاط فرایندی است که آثار جسمی و روانی زیادی را به جا می‌گذارد و به عنوان یک ویژگی همراه با انرژی سازنده که توانایی‌های فراوانی در انسان ایجاد می‌کند نگریسته می‌شود.

بنابراین مهارت یافتن در استفاده از امکانات مناسب و شادکام کننده و دوری از موانعی که برسر راه آن است توصیه‌ای جدی و جهانی است، زیرا نشاط علاوه بر آن

۱۹۹۷، به نقل از آرچیل، ۲۰۰۱). در تحقیقات خود پی برده‌اند که برونگرایی با نشاط همبستگی مثبت و روان نژندی با آن همبستگی منفی دارد. سایر مطالعات نیز این موضوع را محقق ساخته‌اند. بررسی مجموعه این‌گونه تحقیقات، بر روابط زمینه‌ای ژنتیکی و صفات شخصیتی در نشاط تأکید می‌کنند (ایزاوا، ۲۰۰۴). عوامل شناختی نیز نقش مؤثری در ایجاد نشاط ایفا می‌نمایند. این عوامل و عوامل دیگری که در بروز نشاط تأثیرگذار هستند به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرند.

نقش محیط در ایجاد نشاط

تجارب ارتباطی و اجتماعی در اوایل دوره کودکی نیز ممکن است در شادکام ساختن یا عدم نشاط شخصیت افراد در دوره‌های بعدی رشد اثر بگذارد. در پژوهشی، مالتاستا و همکاران، ۱۹۸۶، به نقل از آرچیل، (۲۰۰۱) دریافتند که مادران به نوزادان ۲/۵ ماهه خود آموزش می‌دهند که چگونه احساساتشان را به شیوه اجتماعی مطلوبی بیان کنند. این ابراز احساسات در تجربه هیجانات مثبت تأثیر می‌گذارد. کیفیت روابط عاطفی خانواده در دوران کودکی و دوره‌های پس از آن در بروز قابلیت‌های مربوط به هیجانات مثبت و نشاط بسیار موثر است (تامپسون، ۱۹۹۹، به نقل از آرچیل، ۲۰۰۱). مجموعی از مطالعات نشان داده است (با در نظر گرفتن مهار ویژگیهای دموگرافیک) رضایت از بودن با دوستان و رضایت از زندگی با نشاط بین ۰/۳ تا ۰/۴ همبستگی

که خود یک نتیجه است، استعدادی ایجاد می‌کند که بارآورنده سایر نتایج مثبت است.

در طی جریان رشد، نوزاد عشق را به صورت پذیرش مثبت از والدین اخذ می‌کند و در طی مراحل پیچیده‌ای آنرا تبدیل به خود پنداره مثبت می‌کند. بروز خودپنداره مثبت اساس مفهوم توجه مثبت و سرچشمه انرژی فراوانی است که فرد را به سمت کامیابی و خود شکوفایی و رضایت از خود هدایت می‌کند. نیز به ارگانسیم انسان به عنوان منبع انرژی می‌نگریست که هدفش خود شکوفایی و تحقق اصول مربوط به آن بود. طرح این گونه نگرشها و تداوم آن، مزلو را بر آن داشت که به تواناییهای پنهان انسان معتقد شده و به نظریه جنبش تواناییهای نهفته در فرد ببیند. این جنبش که به عنوان نیروی سوم در روانشناسی، بخصوص در آمریکا شهرت یافت، معتقد بود که باید به جنبه‌های مثبت زندگی انسان باور داشت و در جهت شکوفایی آن اقدام نمود و او را بر شناخت انگیزشی که بر مبنای کمبود بنا شده هدایت نمود (مازلو، ۱۳۶۷).

عوامل زمینه ساز نشاط

عوامل مهمی مانند صفات شخصیتی، مؤلفه‌های شناختی، گرایشهای اعتقادی و محیطی (تربیتی، جمعیتی)، زمینه‌ساز نشاط به شمار می‌روند. بررسی‌های بسیاری همبستگی ویژگیهای وراثتی، صفات شخصیتی، شناختی و مذهبی با نشاط را گزارش کرده‌اند (فارنهام و چنگ،

می‌گیرد (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۸).

دارند. همچنین همبستگی بین عامل کمیت و کیفیت دوستی با نشاط ۰/۲۹ است (وین هاون و کاستا و همکاران، ۱۹۸۵ به نقل از آرجیل، ۲۰۰۱).

نظریه دستیابی به ارزش‌ها^۴

براساس این نظریه نشاط یک احساس فردی نیست، بلکه واقعیتهای مستقل از احساسات فردی است و عبارتست از دستیابی به چیزهایی که از نظر عموم واقعاً ارزشمند به حساب می‌آیند. مثلاً اگر کودکان خیابانی احساس نشاط، خوشبختی و رضایت کنند ممکن است براساس نظریه لذت‌گرایی یا نظریه خواسته‌ها شاد و خوشبخت به حساب آیند اما براساس این نظریه، افرادی شاد و خوشبخت قلمداد نمی‌شوند (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳: ۱۱۳).

نظریه امید^۱

یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در بوجود آمدن احساس نشاط و شادی، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده است. احساس اضطراب یا نگرانی با عدم امید به آینده رابطه مستقیم دارد. امید به آینده دست یافتن به هدف یا انتظار دستیابی به هدف می‌باشد، به گونه‌ای که "شو" تئوری امید را تئوری انگیزش نامیده است (کمپل، ۱۹۸۱).

نظریه نشاط و خوشبختی واقعی^۵

براساس این نظریه سه نوع منبع برای نشاط و خوشبختی وجود دارد که عبارتند از: (۱) لذایذ زندگی (۲) دل‌بستگی‌های زندگی و (۳) کارهای مفید هدفمند.

نظریه لذت‌گرایی^۲

براساس این نظریه نشاط و خوشبختی فقط یک احساس است زندگی شاد، لذت انسان را افزایش داده و غم انسان را کم می‌کند. این نظریه براساس نظریه فایده‌گرایی بتنام ارائه شده است (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۱).

دو مورد اول سلیقه‌ای هستند و به برداشت شخصی فرد از وقایع و رویدادهای زندگی بستگی دارند اما مورد سوم به نظر سلیگمن^۶ به معنای انجام کارهایی است که به منظور دستیابی به ارزش‌ها صورت می‌گیرند و هدفی فراتر از ارضای تمایلات فردی را دنبال می‌کنند. به نظر سلیگمن خوشبختی تلفیقی از سه مورد فوق به شمار

نظریه خواسته‌ها^۳

براساس این نظریه نشاط و خوشبختی به معنای دستیابی به خواسته‌ها است و زمانی که فرد خواسته خود را در قالب «دستیابی به شادی و رهایی از غم» تعریف می‌کند نظریه خواسته‌ها، نظریه لذت‌گرایی را نیز در بر

4- Objective list theory
5- Authentic Happiness
6- Seligman

1 - Hope Theory
2 - Hedonism Theory
3- Desire Theory

در زندگی روزمره گردد. حمایت اجتماعی روزافزون و تولیدات هنری و تجارب حل مسأله همگی درآمدهای پایدار لذت می‌باشند و به دگرگون کردن فرد و رشد شخصی کمک می‌نمایند. این نیز به نوبه خود ممکن است منجر به هیجانات مثبت بیشتری گردد.

نظریه برابری^۲

اما نظریه دیگری که در خصوص رضایت از زندگی می‌توان مطرح کرد، نظریه برابری است. براساس این نظریه، مفهوم انسان اقتصادی به طور گویایی کلیه جنبه‌های انسان را بازگو نمی‌کند از این رو باید به دنبال مفاهیم دیگری باشیم که به نحو مؤثری مبانی انگیزشی و رفتاری انسان را مورد توجه قرار دهد. واضح نظریه برابری، فردی بنام «جی. اس. آدامز» است. این نظریه یکی از بدترین نظریاتی است که در زمینه رفتار انسانی عنوان شده است.

اساس این نظریه مبتنی بر ادراک فرد از شغل خود بوده و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌دارد. بنابراین نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن و سوابق کاری را با خود به سازمان (یا محیط زندگی و فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط

می‌رود و خوشبختی واقعی زمانی حاصل می‌شود که فرد به این سه منبع خوشبختی دست یافته باشد (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۳).

نظریه بسط و ساخت^۱ (نشاط، خلاقیت و باروری)

فردریکسون (۲۰۰۲)، در مورد نظریه مسابقه و ارتباط آن با نشاط معتقد است که هیجانات مثبت همچون نشاط منجر به مسابقه نه هیچ نه همه می‌شود. او نظریه بسط و ساخت را با توجه به همین هیجانات مثبت ارائه نمود و بیان داشت که این عواطف نه تنها پیام‌آور سلامت شخصی می‌باشند بلکه باعث رشد و تکامل نیز می‌گردند. عواطف منفی بسیاری همچون اضطراب یا خشم، زمینه تفکر - عمل لحظه‌ای افراد را به شدت محدود می‌کنند، بنحوی که اقدام به کارهایی می‌کنند که ثمره‌اش حمایت از خود است نه چیز دیگر.

در مقابل، عواطف مثبت، شکل‌های تفکر-عمل لحظه‌ای فرد را بسط و گسترش داده و موقعیتهایی را برای ساختن منابع پایدار شخصی از طریق ابداع ماریپیچ هیجان مثبت، شناخت و عمل فراهم می‌سازند. برای مثال لذت، انگیزشی را برای بازی کردن ایجاد و مسیرهایی را در جامعه، تفکر و هنر ابداع می‌نماید، یعنی لذت از خلال بازی می‌تواند شبکه‌های حمایت اجتماعی را قوت ببخشد و در سایه خلاقیت، منجر به تولید هنر و علم یا حل مسأله

1- Broaden-and-buid theory

2- Equul theory

باشد. رفتار فرد تحت تأثیر برخی عوامل بیرونی و بعضی عوامل درونی شکل می‌گیرد. عوامل بیرونی، عواملی هستند که از خارج بر فرد اثراتی می‌گذارند، مانند محیط اجتماعی و رفتار سایر افراد در یک سازمان و... عوامل درونی، عواملی هستند که از درون فرد منشأ می‌گیرند و شامل ادراک و برداشتهای فرد از محیط، طرز تلقی او، نیازها و انگیزه‌های وی می‌باشد.

انسان می‌کوشد تا با دست زدن به رفتارهای گوناگون در مقابل عوامل بیرونی و درونی، واکنشهای ارضا کننده از خود نشان دهد. هرگاه دست زدن به عملی برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی کفایت کند فرد مواجه با مسأله نخواهد بود و از این رو دچار تعارض نمی‌شود. اما هرگاه برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی دو عمل متفاوت و متضاد لازم باشد، فرد دچار تعارض و نگرانی خواهد شد و احساس رضایت و نشاط نمی‌کند (الوانی، ۱۳۷۸، ۵۴ - ۵۲).

نظریه محرومیت نسبی^۱

از جمله نظریه‌های مطرح دیگر در ارتباط با نشاط، نظریه محرومیت نسبی است براساس این دیدگاه انسانها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنشهای شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی

بیرون نیز متناسب با این خصوصیات، مزایا و پاداشهایی را در اختیارش قرار دهد. چنانچه شخص احساس کند که بین این دو دسته عوامل نوعی برابری و همپایگی موجود است، این امر در او آرامش و رضایت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر بشر همیشه در پی آن است که با او به طور منصفانه رفتار شود (مک کاروکوستا، ۱۹۹۹: ۵۳). در این نوشتار به جای سازمان کار، مقوله جامعه و به جای پاداشها و مزایای سازمان، مقوله امکانات و تسهیلات منطقه سکونت قرار داده شده و از این طریق نظریه برابری، مورد آزمایش قرار گرفته است. در اینجا احساس برابری بین داده یا آنچه فرد وارد جامعه کرده است (سن، نیروی کار خود، مهارتهای خود) با ستاده یا آنچه که فرد از جامعه دریافت کرده است (شغل، درآمد بیشتر، امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی محل، امکان رشد و پیشرفت و بهره‌مندی از تسهیلات و امتیازات مختلف) موجب رضامندی از زندگی و نشاط می‌شود. این احساس برابری گاهی در مقایسه خود با دیگران حاصل می‌شود، در صورتی که فرد در مقایسه خویش با افراد هم سطح خود احساس کند که دیگران وضعیت مناسبتری پیدا کرده‌اند احساس نارضایتی خواهد کرد.

برطبق این نظریه، انسان به عنوان موجودی عقلایی و عاطفی در مقابل محرکهای بیرونی، رفتارهای خاصی از خود بروز می‌دهد که در فرایند جامعه می‌تواند تأثیرگذار

1- Relative Deprivation-

محرومیت ناشی از کاهش امکانات که در آن توقعات ثابت باقی می‌مانند، دوم، ناکامی ناشی از افزایش سطح توقعات که در آن امکانات نسبتاً ثابت هستند، سوم، ناکامی فزاینده که در آن توقعات افزایش و امکانات کاهش می‌یابد. از یک نظر تئوری محرومیت نسبی، ریشه در فرضیه ناکامی - پرخاشگری دارد و از نظر دیگر احساس محرومیت، خود نتیجه فزاینده مقایسه است.

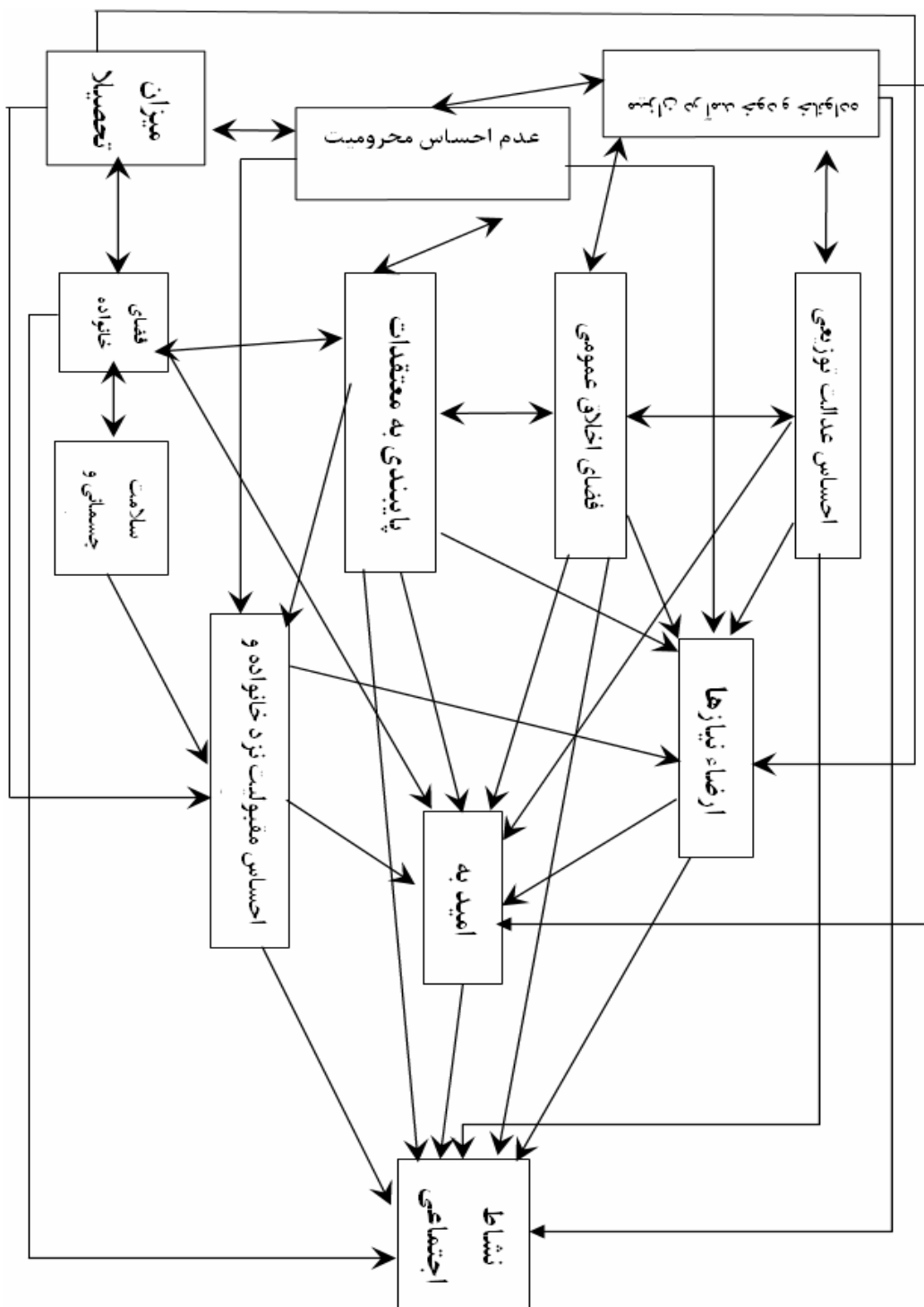
به طور کلی براساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت (عدم نشاط) در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد (گار، ۱۹۷۰).

بدین ترتیب که در اولین گام برای بالا بردن میزان نشاط باید امید به آینده بالا رود، زیرا مطالعات گذشته نشان می‌دهد که امید بالاترین همبستگی را با نشاط داشته و از این رو بالا رفتن میزان امید به آینده، احساس نشاط را در زمان حال بالا می‌برد. و از طرف دیگر بالا رفتن میزان نشاط خود امید به آینده را باز تولید می‌کند.

و ... انجام می‌دهند و وقتی این احساس به اعلی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵).

رویکردهای محرومیت نسبی دارای چند ویژگی با اهمیت هستند که باعث می‌گردند به عنوان یک رویکرد در ارزیابی از عدالت در جامعه و رضایت از زندگی مطرح گردند. اول اینکه از فرایندهای مقایسه اجتماعی در تحلیلهای خود سود می‌جویند، فرایندی که در اغلب نظریه‌های ارزیابی از عدالت مطرح و در آنها مستتر می‌باشد. دوم، این نظریه‌ها درباره تبیین انقلاب و ناآرامیهای ناشی از واکنشهای جمعی، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند و سوم، در ارتباط با ویژگی دوم، این نظریه‌ها برای تبیین انقلاب دارای نگرشهای فردگرایانه و روانشناختی هستند یعنی اصالت را در بروز پدیده انقلاب به وضعیت فرد و تصور او از موقعیت قرار گرفته در آن می‌دهند.

تدگار (۱۹۷۰)، به هنگام بحث از محرومیت نسبی در کتاب خود به نام «چرا انسانها شورش می‌کنند؟» بیان می‌دارد: نارضایتیهای اجتماعی همیشه در نتیجه بروز این احساس و حالت روانی به انسانها دست می‌دهد. به اعتقاد وی شرایط بروز احساس محرومیت، یگانه و همانند نیست، بلکه می‌توان انواع گوناگون و شرایط متعدد بروز آن را از یکدیگر تفکیک کرد. او خود سه نوع محرومیت را از یکدیگر متمایز کرده است: «اول،



مدل نظری تحقیق

پاسخگویان (یعنی ۵۸/۹ درصد) میزان شادبودن افراد محل سکونت‌شان را در سطح «متوسط» ارزیابی کرده‌اند.

یافته‌های تحقیق

توصیف یافته‌ها

بررسی میزان احساس نشاط در بین پاسخگویان نتایج حاصل از ترکیب گویه‌ها در خصوص احساس نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان حاکی از این است که احساس نشاط در بین ۱۸ درصد در حد کم و بسیار کم می‌باشد و در مقابل ۲۸ درصد پاسخگویان از احساس نشاط بالایی برخوردار هستند. یافته‌های این شاخص بیانگر متوسط بودن این احساس در بین اکثریت پاسخگویان است به این معنی که ۵۴ درصد احساس نشاط اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند.

بررسی میزان مقبولیت اجتماعی

توزیع نتایج حاصل از شاخص «مقبولیت اجتماعی» نشان دهنده این است که بیش از نیمی از پاسخگویان از احساس مقبولیت اجتماعی بالایی در جامعه برخوردارند. این در حالیست که فقط ۱۱/۲ درصد مقبولیت اجتماعی سطح پایینی در محیط اطراف خود دارند، ۳۶/۹ درصد نیز مقبولیت اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند.

بررسی میزان امید به آینده در بین پاسخگویان

توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص «امید به آینده»

بررسی مشخصات عمومی پاسخگویان

توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که بر این اساس، ۴۹/۱ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۰/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

اما در مورد وضعیت تاهل نتایج نشان می‌دهد که ۶۵ درصد متأهل، ۳۱/۱ درصد مجرد و ۱/۳ درصد متارکه کرده‌اند. ۱/۶ درصد پاسخگویان نیز اظهار داشته‌اند که همسرشان فوت کرده است. ۵ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

در مورد مالکیت منزل مسکونی نتایج نشان می‌دهد. بر این اساس، ۴۴/۴ درصد اظهار داشته‌اند که دارای مسکن شخصی هستند، ۵/۸ درصد منزل مسکونی خود را رهنی، ۶۷/۸ درصد رهن و اجاره، ۹ درصد سازمانی و ۱/۷ درصد گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. ۸ درصد نیز به این سؤال پاسخی نداده‌اند.

در ابتدا به عنوان سوال ورودی و عمومی از پاسخگویان پرسیده شد که افراد محل سکونت آنها تا چه اندازه افرادی شاد و با نشاط هستند، نتایج یافته‌ها در این خصوص حاکی از این است که ۲۴/۱ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که افراد محل سکونت آنها افرادی شاد و با نشاط نیستند. در مقابل ۱۷/۱ درصد پاسخگویان آنها را افرادی با نشاط می‌دانند. اکثریت

تاکید دارند بلکه ارزیابی‌شان از وضعیت عدالت اجتماعی موجود در سطح متوسط قرار دارد. نتایج بدست آمده از این شاخص گویای شرایط بحرانی جامعه از لحاظ عدالت اجتماعی که یکی از مؤلفه‌های اسامی ثبات اجتماعی است، می‌باشد

بررسی میزان پایداری به ارزشهای دینی در بین

پاسخگویان

- توزیع نتایج حاصل از بررسی شاخص «پایداری به ارزشهای دینی» در بین جامعه مورد مطالعه دلالت بر این امر دارد که این پایداری در بین بیش از نیمی از پاسخگویان در سطح بالا قرار دارد. به طوریکه ۵۲/۴ درصد در حد زیاد و بسیار زیاد به ارزشهای دینی خود پایبند هستند. در مقابل فقط ۸/۱ درصد پاسخگویان پایداری ضعیفی از خود نشان می‌دهند. همچنین میزان پایداری به ارزشهای دینی در بین ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط است. استنباط کلی از نتایج بدست آمده بیانگر وجود اعتقاد و پایداری نسبتاً مطلوب به ارزشهای دینی در جامعه است.

بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین پاسخگویان

نتایج بدست آمده از بررسی شاخص «احساس بیگانگی اجتماعی» بیانگر این است که ۱۰ درصد در سطح پایینی احساس بیگانگی داشته و به اصطلاح احساس بیگانگی اجتماعی در آنها در حد ضعیف بوده و

حاکمی از این است که ۲۲/۷ درصد امید کمی به آینده دارند. در مقابل ۲۳/۷ درصد امید زیاد دارند. اما بیشتر افراد (۵۲/۷ درصد) امید متوسطی به آینده و بهبود اوضاع دارند، در واقع انباشتگی بیشتر افراد در سطح میانه دلالت بر ابهام و تردید پاسخگویان از چگونگی اوضاع در آینده دارد.

بررسی میزان ارضای نیازها در بین پاسخگویان

- توزیع نمرات پاسخگویان بر حسب شاخص «ارضای نیازها» بر این امر دلالت دارد که ۲۷ درصد پاسخگویان در سطح بالایی به برآورده شدن نیازهایشان اذعان داشته‌اند، در مقابل ۱۵/۹ درصد رضایت چندانی از ارضای این نیازها ندارند، اما اکثریت افراد (۵۷/۳ درصد) برآورده شدن نیازهایشان را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند.

بررسی میزان احساس عدالت اجتماعی در

پاسخگویان

- توزیع نتایج بدست آمده از بررسی شاخص «عدالت اجتماعی» بیانگر این است که اکثر افراد (۶۱/۶ درصد) میزان عدالت اجتماعی را در جامعه خود در سطح پایین ارزیابی می‌کنند و به عبارتی نابرابری و بی‌عدالتی را زیاد می‌دانند. این در حالیست که فقط ۶/۱ درصد عدالت اجتماعی را تایید کرده‌اند. از سوی دیگر ۳۴/۲ درصد نه بر بی‌عدالتی کامل و نه بر عدالت کامل

بررسی میزان احساس امنیت در جامعه

- بررسی نتایج حاصل از سنجش شاخص «احساس امنیت اجتماعی» بیانگر این است ۳۳ درصد پاسخگویان احساس امنیت پایینی دارند و به عبارتی بر ناامنی اجتماعی تأکید دارند. در مقابل این گروه ۱۱/۳ درصد این احساس را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند و معتقدند که امنیت اجتماعی زیادی در جامعه وجود دارد و آنها احساس ناامنی نمی‌کنند. اما اکثریت افراد (یعنی ۵۵/۹ درصد) احساس خود را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند و امنیت اجتماعی را نه در سطح بالا و نه در سطح پایین تایید نمی‌کنند. البته با توجه به نتایج می‌توان گفت که احساس امنیت اجتماعی زیادی در جامعه وجود ندارد و بیشتر پاسخگویان ناامنی اجتماعی را تایید می‌کنند.

بررسی میزان احساس محرومیت در جامعه

- نتایج بدست آمده از سنجش شاخص «احساس محرومیت اجتماعی» نشان می‌دهد که ۲۵/۷ درصد پاسخگویان احساس محرومیت بالایی دارند و به عبارتی وضعیت و موقعیت خود را بدتر از اکثریت اجتماع می‌دانند. در مقابل ۱۴/۲ درصد وضعیت خود را مطلوب دانسته و خود را در موقعیتی بهتر از دیگران ارزیابی می‌کنند، اما اکثریت پاسخگویان را (۶۰/۲) نه خود را بدتر از دیگران و نه بهتر از دیگران می‌دانند و در این زمینه چندان تفاوتی بین خود و دیگران قایل نیستند.

در مقابل ۳۸ درصد احساس بیگانگی بالایی داشته و حدود ۵۲ درصد نیز در سطح متوسطی احساس بیگانگی داشته و یا به عبارت دیگر گاهی اوقات احساس بیگانگی داشته و گاهی اوقات احساس بیگانگی نداشته‌اند.

بررسی میزان نگرش افراد نسبت به فضای اخلاق

عمومی

- بررسی نتایج شاخص «مناسب بودن فضای اخلاق عمومی» حاکی از این است که ۴۱/۳ درصد از پاسخگویان فضای اخلاق عمومی را چندان مناسب نمی‌دانند. این در حالیست که فقط ۱۰/۶ درصد از وضعیت موجود اظهار رضایت دارند. ۴۸/۳ درصد نیز بر وضعیت متوسط فضای اخلاق عمومی تأکید دارند.

بررسی میزان احساس همبستگی اجتماعی در

جامعه

- نتایج حاصل از ارزیابی پاسخگویان در مورد «همبستگی اجتماعی» نشان می‌دهد که ۴۱/۳ درصد از افراد میزان همبستگی اجتماعی را ضعیف می‌دانند، ۱۸/۴ درصد در مقابل نگرش مثبتی نسبت به همبستگی اجتماعی در محیط اطراف خود داشته و آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. اما ۴۵/۸ درصد بر این باورند که این همبستگی در سطح متوسطی قرار دارد. به طور کلی از این نتایج می‌توان این استنباط را داشت که میزان همبستگی اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا نتایج حاصل از همبستگی متغیرها آورده می‌شود و سپس در ادامه نتایج رگرسیون چندگانه می‌آید:

نتایج حاصل از همبستگی دو متغیره در بین متغیرهای تحقیق

رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر وابسته احساس نشاط اجتماعی را نشان می‌دهد. بررسی رابطه بین متغیرها از طریق ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است.

رابطه همبستگی بین متغیرها حاکی از این است که به غیر از متغیر بیگانگی اجتماعی که رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته ندارد ($\text{sig} = 0/206$)، بقیه متغیرهای مستقل رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته (احساس نشاط اجتماعی) نشان می‌دهند و این رابطه در سطح احتمال ۹۹ درصد ($\text{sig} = 0/000$) معنی‌دار است.

نتایج ضریب همبستگی بیانگر این است که بین متغیر احساس محرومیت اجتماعی با احساس نشاط اجتماعی رابطه معکوسی (منفی) وجود دارد. به عبارتی با افزایش احساس محرومیت، احساس نشاط در بین افراد کاهش می‌یابد و بالعکس، اما رابطه مشاهده شده بین متغیر وابسته و سایر متغیرهای مستقل مثبت است.

به طور کلی می‌توان گفت که متغیرهای مقبولیت اجتماعی، امید به آینده، رضای نیازها، عدالت اجتماعی، پایبندی به ارزشها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی،

همبستگی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی تأثیرات مثبتی بر روی احساس نشاط اجتماعی دارند، به این معنی که با افزایش در هر یک از واحدهای این متغیرها (متغیرها مستقل)، متغیر وابسته (احساس نشاط اجتماعی) افزایش پیدا می‌کند. شدت همبستگی بین متغیرها به این ترتیب است که متغیرهای امید به آینده (۰/۵۸) رضای نیازها (۰/۵۷) مقبولیت اجتماعی (۰/۵۳)، عدالت اجتماعی (۰/۳۵) و احساس محرومیت اجتماعی (۰/۳۲) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند و شدت همبستگی مشاهده شده بین آنها در سطح متوسط است. سایر متغیر مستقل همبستگی ضعیفی با متغیر احساس نشاط اجتماعی دارند. بیشترین میزان تأثیرات این متغیرها به ترتیب عبارتند: از مناسب بودن فضای (۰/۲۹)، پایبندی به ارزشها، همبستگی اجتماعی (۰/۲۷) و احساس امنیت اجتماعی (۰/۱۲۹).

استنباط کلی از نتایج بدست آمده این است که تقریباً همه متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل (به غیر متغیر بیگانگی اجتماعی) در تبیین تغییرات متغیر وابسته یعنی احساس نشاط اجتماعی مؤثرند.

- بررسی آزمون فرضیات

- آزمون فرضیه ۱: بررسی رابطه بین میزان احساس مقبولیت اجتماعی و نشاط در بین

پاسخگویان

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکور

مقدار ضریب گاما ($0/681$) بیانگر قوی بودن شدت همبستگی مشاهده شده است.

- آزمون فرضیه ۳: رابطه بین میزان ارضای نیازها و نشاط در بین پاسخگویان

آزمون این رابطه از طریق کای اسکوار ($704/130 = \chi^2$) و سطح معناداری آن ($sig = 0/000$) دلالت بر رد فرضیه H_0 یا فرض عدم وجود رابطه دارد.

بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد. ضریب همبستگی گاما ($Gamma = 0/683$) که رابطه همبستگی بین این دو متغیر را می‌سنجد نشان می‌دهد که همبستگی مشاهده شده مثبت است. یعنی با افزایش رضایت از ارضای نیازها، احساس نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و بر عکس هر چه ارضای نیازها کاهش پیدا کند، احساس نشاط نیز کاهش می‌یابد. شدت همبستگی مشاهده شده بر اساس مقدار ضریب گاما ($0/683$) دلالت بر قوی بودن این رابطه دارد.

- آزمون فرضیه ۴: بررسی رابطه بین دو متغیر احساس نشاط اجتماعی و عدالت اجتماعی در بین پاسخگویان

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($279/582 = \chi^2$) و سطح معناداری آن ($sig = 0/000$) حاکمی از رد فرضیه H_0 (یا فرض عدم وجود رابطه) است. بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال

($\chi^2 = 641/248$) و سطح معناداری آن ($sig = 0/000$) دلالت بر رد فرضیه H_0 دارد. بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر که از طریق ضریب همبستگی گاما ($0/623$) $Gamma =$ سنجیده شده است بیانگر همبستگی مثبت و بین این دو متغیر است. به عبارتی می‌توان گفت که با افزایش مقبولیت اجتماعی افراد، احساس نشاط اجتماعی آنها افزایش می‌یابد و بالعکس. البته مقدار ضریب گاما ($0/623$) دلالت بر قوی بودن شدت رابطه همبستگی مشاهده شد.

- آزمون فرضیه ۲: بررسی رابطه بین میزان امید به آینده و نشاط در بین پاسخگویان

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($851/627 = \chi^2$) و سطح معناداری آن ($sig = 0/000$) حاکمی از رد فرضیه H_0 (فرض عدم وجود رابطه) است. بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر که از طریق ضریب همبستگی گاما ($Gamma = 0/681$) محاسبه شده است، بیانگر همبستگی مثبت بین دو متغیر است. به عبارتی می‌توان استدلال نمود که با افزایش امید به آینده، احساس نشاط اجتماعی افزایش می‌یابد و برعکس هر چه افراد امید کمتری به آینده داشته باشند، احساس نشاط اجتماعی نیز در بین آنها کاهش می‌یابد.

عکس هر چه پایداری به ارزشها کاهش می‌یابد، احساس نشاط اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. مقدار ضریب گاما نشان می‌دهد که شدت رابطه بین این دو متغیر در سطح متوسط است.

- آزمون فرضیه ۶: بررسی رابطه بین دو متغیر احساس نشاط اجتماعی و پیگانگی اجتماعی در بین پاسخگویان

آزمون این رابطه از طریق کای اسکوار ($\chi^2 = 22/674$) = χ^2 و سطح معناداری آن ($\text{sig} = 0/126$) حاکی از تایید فرضیه H_0 است. به عبارتی نتیجه این آزمون بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است. از این رو تفاوت مشاهده شده بین مقادیر این دو متغیر ناشی از شانس و تصادف است و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست.

- آزمون فرضیه ۷: بررسی رابطه بین دو متغیر احساس نشاط اجتماعی و مناسب بودن فضای اخلاق عمومی

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($\chi^2 = 220/502$) و سطح معناداری آن ($\text{sig} = 0/000$) حاکی از رد فرضیه H_0 است. بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بررسی رابطه همبستگی بین این دو متغیر که از طریق ضریب همبستگی گاما ($\text{Gamma} = 0/369$) محاسبه شده، نشان

بیش از ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر که از طریق ضریب همبستگی گاما ($\text{Gamma} = 0/399$) بررسی شده است بیانگر همبستگی مثبت بین این دو متغیر است. به عبارتی می‌توان استدلال کرد که هر چه عدالت اجتماعی افزایش یابد، احساس نشاط اجتماعی افزایش می‌یابد و بر عکس با کاهش میزان عدالت اجتماعی احساس نشاط اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. شدت همبستگی مشاهده شده بر اساس مقدار ضریب گاما ($0/399$) دلالت بر متوسط بودن این رابطه همبستگی است.

- آزمون فرضیه ۵: بررسی رابطه بین دو متغیر نشاط اجتماعی و پایداری به ارزشهای دینی در بین پاسخگویان

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($\chi^2 = 202/914$) و سطح معناداری آن ($\text{sig} = 0/000$) حاکی از رد فرضیه H_0 (یا فرض عدم وجود رابطه) است. بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر که از طریق ضریب همبستگی گاما ($\text{Gamma} = 0/349$) بررسی شده است. بیانگر همبستگی مثبت و مستقیم بین این دو متغیر است. به عبارتی، بر اساس این نتایج می‌توان استدلال کرد احساس نشاط اجتماعی در بین افرادی که پایداری بیشتری به ارزشهای دینی دارند بیشتر است و بر

- آزمون فرضیه ۹: بررسی بین احساس نشاط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($\chi^2 = 72/379$) و سطح معناداری آن ($0/000 =$ sig) انجام شده، حاکی از رد فرضیه H_0 (یا عدم وجود رابطه) است. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه تغییرات متغیر وابسته از طریق تغییرات متغیر مستقل قابل تبیین است. رابطه همبستگی این دو متغیر از طریق ضریب همبستگی گاما ($\text{Gamma} = 0/167$) نشان می‌دهد که این رابطه مثبت است. به این معنا که با افزایش احساس امنیت اجتماعی، احساس نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و بر عکس با کاهش احساس امنیت، احساس نشاط کاهش می‌یابد. البته مقدار ضریب همبستگی گاما ($0/167$) دلالت بر ضعیف بودن این رابطه دارد.

- آزمون فرضیه ۱۰: بررسی رابطه بین دو متغیر احساس نشاط اجتماعی و احساس محرومیت اجتماعی

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($\chi^2 = 165/307$) و سطح معناداری آن ($0/000 =$ sig) حاکی از رد فرضیه H_0 است. بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد. بررسی رابطه همبستگی از طریق ضریب گاما نشان دهنده منفی بودن این رابطه

می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. از این رو می‌توان استدلال نمود که احساس نشاط اجتماعی با مناسب بودن فضای اخلاق عمومی افزایش می‌یابد و برعکس نامناسب بودن این فضا در کاهش احساس نشاط اجتماعی مؤثر است. مقدار ضریب گاما بیانگر این است که شدت همبستگی مشاهده شده در سطح متوسط است.

- آزمون فرضیه ۸: بررسی رابطه بین دو متغیر احساس نشاط اجتماعی و همبستگی اجتماعی

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($\chi^2 = 203/484$) و سطح معناداری آن ($0/000 =$ sig) دلالت بر رد فرضیه H_0 (فرض عدم وجود رابطه) دارد. بر این اساس می‌توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد. بررسی رابطه همبستگی بین این دو متغیر که از طریق ضریب گاما ($\text{Gamma} = 0/280$) محاسبه شده، نشان می‌دهد که رابطه بین این احساس نشاط اجتماعی و همبستگی اجتماعی رابطه‌ای مثبت است به این معنا که با افزایش همبستگی اجتماعی، احساس نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و برعکس با تضعیف همبستگی اجتماعی در میان افراد، احساس نشاط اجتماعی آنها کاهش می‌یابد. مقدار ضریب گاما بیانگر شدت همبستگی ضعیف بین این دو متغیر است.

بیشتر نیازها) در حد بالاتری نسبت به افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نشاط می کنند.

تحلیل رگرسیونی نشاط اجتماعی

تحلیل رگرسیونی چند گانه عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی

سنجش و بررسی عوامل تبیین کننده نشاط اجتماعی از طریق تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام گرفت. البته در انجام تحلیل رگرسیون، سعی گردید از روش گام به گام (Stepwise) استفاده شود تا بتوان به ترکیب بهینه عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی دست یافت.

براساس نتایج حاصل از این تحلیل، در طی مراحل مختلف تحلیل رگرسیون، ۹ مدل شناسایی شد که نمایشی از خلاصه این مدل‌های نه گانه را به همراه آماره‌های مرتبط ارائه می دهد. طبق این جدول، ملاحظه می گردد که در مدل اول که تنها متغیر امید به آینده وارد شده است، این متغیر توانسته است ۰/۳۰ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کند که این میزان ضریب، بیش از نصف کل ضریب تعیین (۰/۵۴۶ درصد) است که تمامی ۹ متغیر تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی حامل آن می باشند. این نتیجه نشان می دهد که همبستگی بالایی بین متغیر امید به آینده و نشاط وجود دارد و هر چه قدر میزان امید به آینده بالا رود، میزان نشاط نیز بالا خواهد رفت.

وارد کردن متغیر بعدی یعنی رضای نیازهای عاطفی به مدل رگرسیونی، به مقدار ۰/۱۲۷ به ضریب تعیین

است (Gamma = -۰/۴۱۶). به عبارتی می توان استدلال کرد که با افزایش احساس محرومیت اجتماعی، احساس نشاط اجتماعی کاهش می یابد و برعکس، هر چه این احساس محرومیت کمتر می شود، احساس نشاط بالا می رود. مقدار گاما (-۰/۴۱۶) دلالت بر متوسط بودن شدت همبستگی مشاهده شده است.

- آزمون فرضیه ۱۱: بررسی رابطه بین دو

متغیر احساس نشاط اجتماعی و پایگاه اقتصادی -

اجتماعی

آزمون این رابطه از طریق آماره کای اسکوار ($\chi^2 = 53/079$) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰ = sig) حاکی از رد فرضیه H_0 (یا فرض عدم وجود رابطه) است. بر این اساس می توان گفت که با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معنی دار وجود دارد. رابطه همبستگی متغیر نشاط اجتماعی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی از طریق ضریب گاما (۰/۲۳۰ = Gamma) دلالت بر مثبت بودن این رابطه است.

بنابراین می توان اینگونه استدلال کرد که احساس نشاط اجتماعی در بین طبقات بالا بیشتر از طبقات پایین است. شدت همبستگی مشاهده شده در سطح متوسط است. بدین ترتیب باید خاطر نشان ساخت که به لحاظ سلسه مراتب نیازها، رضای نیازهای مادی (امکانات اقتصادی)، اجتماعی و در نهایت فرامادی در ایجاد نشاط می تواند مؤثر باشد، پس افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا، به خاطر رضای نیازهای اولیه (یا رضای

متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند. اما در مدل‌های بعدی (یعنی ۶ مدل بعدی)، شاهد افزایش تقریباً یکنواخت هم‌میزان همبستگی و هم‌میزان ضریب تعیین ناشی از ۶ متغیر مستقلی هستیم که در مراحل بعدی وارد مدل شده و توانسته‌اند تأثیر آماری معنی‌داری اعم از مثبت و منفی بر نشاط اجتماعی وارد سازند. جدول زیر میزان همبستگی و ضریب تعیین تمامی نه متغیر را که در نه مرحله وارد مدل رگرسیونی شده‌اند، نشان می‌دهد.

افزوده و کل ضریب تعیین ناشی از وجود دو متغیر امید به آینده و ارضای نیاز عاطفی را به ۰/۴۷۱ افزایش داده است. در مدل سوم نیز با ورود متغیر مقبولیت اجتماعی به مدل رگرسیونی، تغییر بالنسبه خوبی در ضریب تعیین ایجاد شده است. بطوری که با ورود این متغیر به مدل، به میزان ۰/۰۶۶ به ضریب تعیین افزوده شده است، که در مجموع، سه متغیر امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته‌اند ۰/۵۳۷ درصد از تغییرات

جدول (۱): مشخص‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل بر نشاط اجتماعی در نه مدل

مدل	همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
اول	۰/۵۷۶	۰/۳۳۴	۰/۳۰	۴/۶۷۴۳۷
دوم	۰/۶۸۷	۰/۴۷۲	۰/۴۷۱	۴/۱۹۵۲۴
سوم	۰/۷۳۴	۰/۵۳۸	۰/۵۳۷	۳/۹۲۴۳۵
چهارم	۰/۷۳۸	۰/۵۴۴	۰/۵۴۳	۳/۹۰۰۳۵
پنجم	۰/۷۴۰	۰/۵۴۸	۰/۵۴۷	۳/۸۸۴۷۶
ششم	۰/۷۴۲	۰/۵۵۰	۰/۵۴۹	۳/۸۷۵۵۸
هفتم	۰/۷۴۳	۰/۵۵۲	۰/۵۵۰	۳/۸۶۹۸۵
هشتم	۰/۷۴۴	۰/۵۵۳	۰/۵۵۲	۳/۸۶۳۶۰
نهم	۰/۷۴۵	۰/۵۵۵	۰/۵۵۳	۳/۸۵۸۰۰

مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده جهت تبیین نشاط اجتماعی، تأثیر آماری معنی‌داری در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بر این متغیر وارد سازند و سایر فاکتورهایی که در مدل نیامده‌اند، فاقد چنین تأثیری بوده و در نتیجه طی مراحل، از مدل رگرسیونی حذف شده‌اند.

میزان تأثیر تفکیکی هر یک متغیرهای مستقل بر روی نشاط، محتوای جدول بعدی را تشکیل می‌دهد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که در مدل اول که متغیر امید به آینده وارد آن شده است، تا مدل آخر یعنی مدل نهم، در کل ۹ متغیر وارد مدل شده و توانسته‌اند از میان

جدول ۲: مشخص‌کننده‌های آماری میزان و جهت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر نشاط اجتماعی در نه مدل

معنی‌داری سطح	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل	
		Beta	خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۰	۵۵/۳۰۱	-	۰/۴۱۸	۲۳/۱۱۷	عدد ثابت	اول
۰/۰۰۰	۳۱/۷۱۵	۰/۵۶	۰/۰۴۵	۱/۴۲۳	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۳۶/۶۷۲	-	۰/۵۴۶	۱۴/۵۶۶	عدد ثابت	دوم
۰/۰۰۰	۲۲/۲۹۸	۰/۴۱۲	۰/۰۴۵	۰/۹۹۹	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۲۱/۵۴۹	۰/۳۹۸	۰/۰۲۳	۰/۴۹۴	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۸/۳۵۶	-	۰/۵۶۸	۱۰/۴۳۳	عدد ثابت	سوم
۰/۰۰۰	۱۹/۸۱۴	۰/۳۵۰	۰/۰۴۳	۰/۸۵۰	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۷/۳۳۷	۰/۳۱۳	۰/۰۲۲	۰/۳۸۸	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۶/۵۸۱	۰/۲۸۶	۰/۰۳۶	۰/۵۹۱	مقبولیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۱۸/۸۲۰	-	۰/۶۲۵	۱۱/۷۵۹	عدد ثابت	چهارم
۰/۰۰۰	۱۹/۶۵۱	۰/۳۴۶	۰/۰۴۳	۰/۸۳۹	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۷/۳۴۳	۰/۳۱۱	۰/۰۲۲	۰/۳۸۶	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۶/۶۴۴	۰/۲۸۶	۰/۰۳۵	۰/۵۹۰	مقبولیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	-۴/۹۶۶	-۰/۷۷	۰/۰۰۷	-۰/۰۳۷	سن	
۰/۰۰۰	۱۷/۵۷۶	-	۰/۶۳۷	۱۱/۲۰۲	عدد ثابت	پنجم
۰/۰۰۰	۱۹/۰۶۹	۰/۳۳۷	۰/۰۴۳	۰/۸۱۷	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۵/۹۵۹	۰/۲۹۳	۰/۰۲۳	۰/۳۶۴	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۶/۶۰۳	۰/۲۸۴	۰/۰۳۵	۰/۵۸۶	مقبولیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	-۵/۲۷۱	-۰/۰۸۱	۰/۰۰۷	-۰/۰۳۹	سن	
۰/۰۰۰	۴/۰۵۲	۰/۰۶۷	۰/۰۲۶	۰/۱۰۳	فضای مناسب اخلاق عمومی	
۰/۰۰۰	۱۷/۰۱۲	-	۰/۶۴۲	۱۰/۹۲۲	عدد ثابت	ششم
۰/۰۰۰	۱۷/۸۹۶	۰/۳۲۴	۰/۰۴۴	۰/۷۸۵	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۳/۸۴۶	۰/۲۷۱	۰/۰۲۴	۰/۳۳۷	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۶/۹۳۶	۰/۲۹۳	۰/۰۳۶	۰/۶۰۴	مقبولیت اجتماعی	

۰/۰۰۰	-۰/۴۵۶	-۰/۰۸۴	۰/۰۰۷	-۰/۰۴۰	سن	هفتم
۰/۰۰۱	۳/۳۳۹	۰/۰۵۶	۰/۰۲۶	۰/۰۸۷	فضای مناسب اخلاق عمومی	
۰/۰۰۲	۳/۱۷۵	۰/۰۵۹	۰/۰۳۲	۰/۱۰۳	احساس عدالت توزیعی	
۰/۰۰۰	۱۶/۱۹۱	-	۰/۷۳۰	۱۱/۸۲۵	عدد ثابت	
۰/۰۰۰	۱۷/۹۹۴	۰/۳۲۵	۰/۰۴۴	۰/۷۸۹	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۳/۹۳۱	۰/۲۷۳	۰/۰۲۴	۰/۳۳۸	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۷/۰۹۵	۰/۲۹۶	۰/۰۳۶	۰/۶۱۰	مقبولیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	-۰/۴۹۱	-۰/۰۸۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۴۱	سن (بالا رفتن سن)	
۰/۰۰۰	۳/۷۴۵	۰/۰۶۴	۰/۰۲۶	۰/۰۹۹	فضای مناسب اخلاق عمومی	
۰/۰۰۱	۳/۳۵۲	۰/۰۶۲	۰/۰۳۲	۰/۱۰۸	احساس عدالت توزیعی	
۰/۰۱۰	-۲/۵۸۲	-۰/۰۴۱	۰/۰۳۴	-۰/۰۸۹	عدم احساس محرومیت	هشتم
۰/۰۰۰	۱۴/۸۱۸	-	۰/۷۶۰	۱۱/۲۵۵	عدد ثابت	
۰/۰۰۰	۱۷/۹۴۳	۰/۳۲۴	۰/۰۴۴	۰/۷۸۶	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۲/۸۷۴	۰/۲۵۹	۰/۰۲۵	۰/۳۲۲	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	۱۶/۶۵۲	۰/۲۹۰	۰/۰۳۶	۰/۵۹۸	احساس مقبولیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۰۰	-۰/۰۸۲	۰/۰۰۷	-۰/۰۳۹	سن	
۰/۰۰۰	۳/۶۱۵	۰/۰۶۱	۰/۰۲۶	۰/۰۹۵	فضای مناسب اخلاق عمومی	
۰/۰۰۱	۳/۳۴۶	۰/۰۶۲	۰/۰۳۲	۰/۱۰۸	احساس عدالت توزیعی	
۰/۰۰۶	-۲/۷۵۳	-۰/۰۴۴	۰/۰۳۴	-۰/۰۹۵	احساس امنیت	
۰/۰۰۷	۲/۶۸۲	۰/۰۴۵	۰/۰۴۰	۰/۱۰۷	عدم احساس محرومیت	
۰/۰۰۰	۱۲/۰۳۰	-	۰/۸۵۳	۱۰/۲۵۸	عدد ثابت	نهم
۰/۰۰۰	۱۷/۶۶۷	۰/۳۰	۰/۰۴۴	۰/۷۷۵	امید به آینده	
۰/۰۰۰	۱۵/۵۱۳	۰/۲۷۸	۰/۰۳۷	۰/۵۷۵	احساس مقبولیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۱۲/۶۳۵	۰/۲۵۵	۰/۰۲۵	۰/۳۱۷	ارضای نیازهای عاطفی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۱۹	-۰/۰۸۲	۰/۰۰۷	-۰/۰۳۹	سن	
۰/۰۰۰	۳/۶۵۵	۰/۰۶۸	۰/۰۳۳	۰/۱۱۹	احساس عدالت توزیعی	
۰/۰۰۱	۳/۴۶۴	۰/۰۵۹	۰/۰۲۶	۰/۰۹۱	فضای مناسب اخلاق عمومی	
۰/۰۰۴	۲/۸۹۳	۰/۰۴۹	۰/۰۴۰	۰/۱۱۶	عدم احساس محرومیت	
۰/۰۰۵	۲/۹۱	۰/۰۴۷	۰/۰۳۵	۰/۱۰۰	احساس امنیت	
۰/۰۰۹	۲/۶۳	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	۰/۱۱۶	پایبندی به ارزشهای دینی	

عنوان یک عامل بالا برنده برای نشاط اجتماعی می باشد . اما پس از این متغیر پنجمین متغیری که بر نشاط اجتماعی تأثیر دارد متغیر میزان مناسب بودن فضای اخلاق عمومی جامعه می باشد. ضریب تأثیر رگرسیونی ($Beta = ۰/۰۶$) می باشد و نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش فضای اخلاق عمومی جامعه، میزان نشاط اجتماعی به میزان ۶ واحد افزایش خواهد یافت.

اما سایر متغیرهای تأثیر گذار عبارتند از: احساس عدم محرومیت (با ضریب بتا $۰/۰۵۱$) بر طبق نتیجه حاصله می توان گفت که میزان نشاط در بین افرادی که احساس محرومیت کمتری دارند، بیشتر می باشد. متغیر " احساس امنیت اجتماعی " (با ضریب $۰/۰۴۴$)، نیز تأثیر افزایش بر روی احساس نشاط داشته است. اما سایر یافته ها نشان می دهد که متغیر "پایندی به ارزشهای دینی" نیز با ضریب بتا $۰/۰۴۱$ همبستگی مستقیمی با نشاط اجتماعی دارد یعنی به ازای هر واحد افزایش در پایندی دینی افراد میزان نشاط اجتماعی ۴ واحد افزایش می یابد.

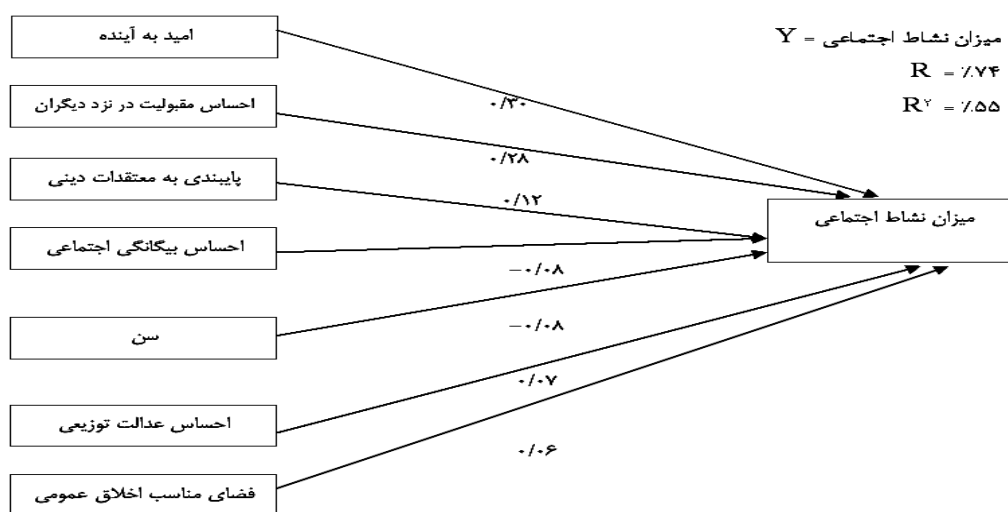
با توجه به نتایج بدست آمده متغیر "میزان امید به آینده" با ضریب بتا ($Beta = ۰/۳۰$) بالاترین همبستگی را با نشاط اجتماعی دارد. بنابراین میزان نشاط اجتماعی در مرحله اول متأثر از میزان امید به آینده افراد است. در ضمن علامت مثبت ضریب این متغیر نشانگر تأثیر (و همبستگی) مستقیم میزان امید به آینده بر روی میزان نشاط اجتماعی می باشد.

دومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است «مقبولیت اجتماعی یا احساس مقبولیت فرد در نزد دیگران» است. ضریب تأثیر رگرسیونی این متغیر برابر با ($Beta = ۰/۲۸$) است. یعنی هر چه میزان احساس مقبولیت اجتماعی بیشتر باشد، احتمال زیادی برای احساس نشاط در افراد دیده می شود.

با توجه به نتایج حاصله متغیر "ارضای نیازهای عاطفی" با ضریب بتا ($Beta = ۰/۲۵$) سومین متغیر تأثیر گذار بر روی نشاط اجتماعی است. بنابراین میزان نشاط اجتماعی در مرحله سوم، وابسته به میزان ارضای نیازهای عاطفی است. یعنی هر چه ارضای نیازهای عاطفی بالا رود، میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد و معنای $۰/۲۵$ نیز بدین صورت است که با افزایش یک واحد در ارضای نیازهای عاطفی، میزان نشاط اجتماعی ۲۵ واحد افزایش خواهد یافت.

چهارمین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است متغیر "احساس عدالت اجتماعی (توزیعی)" می باشد " ضریب تأثیر رگرسیونی برابر با ($۰/۰۷$) می باشد بر طبق این نتیجه می توان گفت که احساس عدالت به

مدل تحلیل میزان تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر احساس نشاط اجتماعی



پس با توجه به مدل تحلیلی مشخص می‌شود که متغیرهای «امید به آینده، احساس مقبولیت نزد دیگران و ارضای نیازها» به عنوان متغیرهای کلیدی در افزایش میزان نشاط اجتماعی می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج به دست آمده ملاحظه می‌شود احساس نشاط اجتماعی، میزان امید به آینده، میزان ارضای نیازها، نگرش مثبت به فضای اخلاق عمومی در بین پاسخگویان متوسط و در مقابل احساس همبستگی اجتماعی، احساس امنیت و احساس عدالت اجتماعی در سطح پایینی ارزیابی شده است. همچنین میزان پایبندی به ارزشهای دینی بین پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها بیانگر آن است که کلیه متغیرهای مستقل تحقیق به غیر از متغیر بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند. البته لازم است که بین احساس محرومیت اجتماعی و نشاط اجتماعی ارتباط منفی و معکوس وجود دارد، بدین

ترتیب که با افزایش احساس محرومیت، نشاط اجتماعی در بین افراد کاهش می‌یابد در مقابل بین امید به آینده، مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازها، عدالت اجتماعی، پایبندی به ارزشها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت و نشاط اجتماعی رابطه مثبت و مستقیم است و با افزایش هر کدام از متغیرها احساس نشاط اجتماعی نیز بالا می‌رود.

براساس نتایج تحلیل رگرسیونی مشاهده می‌شود که از بین متغیرهای تأثیرگذار سه متغیر امید به آینده، مقبولیت اجتماعی و ارضای نیازهای عاطفی بیش از ۵۰ درصد از تغییرات و نوسانات نشاط اجتماعی را تبیین می‌کنند و براساس ضرایب بتا متغیر امید به آینده بالاترین همبستگی مثبت را با نشاط اجتماعی دارد. در مرتبه بعدی به ترتیب متغیر مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازهای عاطفی و احساس عدالت اجتماعی بیشترین تأثیر خود را در افزایش نشاط اجتماعی دارند.

پس بنابراین هر چقدر افراد یک جامعه در رسیدن به اهداف مورد انتظار خود موفق باشند، رضایت ذهنی

مقالات رفتار سازمانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳- رفیع پور، فرامرز. انومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران، سروش، ۱۳۷۸.

۴- ستوده، هدایت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، آوای نور، ۱۳۷۸.

۵- گار، تدرابرت. چرا انسانها شورش می‌کنند؟، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.

۶- کریمی، یوسف. روانشناسی اجتماعی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۷۳.

۷- ممتاز، فریده. انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاهها، تهران، انتشار، ۱۳۸۱.

۸- مازلو، آبراهام اچ. انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

9- Allred, K.D., & Smith, T.W.(1989). The hardly personality: Cognitive and physiological responses to evaluative threat. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 257-266.

10- Apinwall, L., Richter, L. and Hoffman, R.(2001). Understanding how optimism works: an examination of optimism, adaptive moderation of belief and behavior. In E. Chang *Optimism and Pessimism: Implication for Theory, Research and Practice* (pp. 217-38). Washington, DC: APA

11- Bendelow, G., & Argyle, M.(1997). *The psychology of religious behavior, belief and experience*, London: Routledge

آنان بالا رفته و این امر سبب افزایش نشاط خواهد شد و همچنین براساس تئوری قضاوت اجتماعی، نوع قضاوت در مورد افراد به ویژه از سوی اعضای خانواده، دوستان و نزدیکان، همکاران تأثیر به سزایی در احساس نشاط افراد خواهد داشت و در صورت عدم تأیید و مقبولیت افراد در جامعه، امکان احساس بیگانگی و انزوا در بین افراد جامعه افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر براساس نظریه مازلو توجه به ارضای نیازهای اولیه و ثانویه افراد از ضرورت‌های هر جامعه‌ای است و مادامی که نیازهای تک تک افراد برآورده نشود، نمی‌توان شاهد جامعه‌ای با نشاط، پویا و خلاق بود.

همچنین از مؤلفه‌های مهم دیگر احساس عدالت است. همانطوری که می‌دانیم برای داشتن یک جامعه خلاق و پرتحرک نیازمند افراد بانگیزه هستیم. براساس تئوری «برابری» انسان به عنوان موجودی عقلایی و عاطفی در مقابل محرک‌های بیرونی و درونی رفتارهای خاص از خود بروز می‌دهد و زمانی که احساس برابری در مقابل پاداش ما، امکانات، تسهیلات و... داشته باشد انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت داشته و پاسخ مثبت و فعالانه نسبت به محرک‌های بیرونی می‌دهد و به تبع آن احساس نشاط اجتماعی و رضایت درونی در فرد ایجاد می‌شود.

منابع

۱- ازکمپ، استوارت. روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۲- الوانی، سید مهدی. نظری برابری. مجموعه

John(eds) , Hand book of personality(2nd edn, pp. 139-53). New York: Guilford.

21- Myers, D. and Diener, L.(1996), The pursuit of happiness. *Scientific American*, 274(May):45

22- Seligman and Danner, E., M.(2002) Very happy people. *Psychological Science* 13: 81- 4.

12- Campbell, A.(1981). *The Sense of well-Being in America*. New York: Mc Grow-Hill

13- Cantor. N., & Sanderson, C.A.(1999). Life task satisfaction and well-being. In D. Kahneman, E. Diener, & N. Schwarz(Eds). *Understanding Quality of life*. Russell sage, pp.230-243.

14- Carr, A(2004). *Positive Psychology*. Hove and New York: Brunner – Routledge.

15- Danner , D., Snow don, D. and Friesen , W.(2001), Positive emotion early in life and the longevity: findings from the nun study. *Journal and social Psychology* 80: 804-13.

16- Darling, N., and Steinberg, L.(1993). Parenting style as context: an integrative model. *Psychological Bulletin* 113:487.

17- Ellison, C.G.(1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of Health and social Behavior*, 32, 80-99

18- Gurr, Tedd Robert(1970), *Why Men Rebel*, Princeton, N.J: Princeton University Press.

19- Lane , R., Quilan. D., Schwartz. G., Walker , P. and Seitlin, S.(1990). Levels of Emotional Awareness Scale: a cognitive developmental measure of emotion. *Journal of Personality Assessment* 55:124-34.

20- McCare, R. and Costa, P(1999). A five factor theory of personality. In L. Pervin and O.